بررسی رابطه بین نظم در خانواده و بازتولید دینداری در بین جوانان (با تأکید بر دانش‌آموزان) شهر یزد

مسعود حاجی زاده میمندی [۱]

حمید تقوی مریم آبادی [۲]

تاریخ دریافت: ۹۲/۲/۲۵ تاریخ پذیرش: ۹۲/۷/۴

چکیده

دین یکی از نهادهای مهم اجتماعی است که در بازتولید نظام اجتماعی نقش مهمی دارد و این نهاد اجتماعی دارای کارکردهای مختلف اجتماعی و روانی می‌باشد، ولی آنچه بیشتر مورد مطالعه جامعه‌شناسی است؛ دینداری می‌باشد. شهر یزد که از گذشته به دارالعباده و داشتن فرهنگ قنات، قنوت و قناعت موسوم بوده است؛ انتظار می‌رفت که از وضعیت بازتولید دینداری مطلوبی برخوردار باشد، ولی به نظر می‌رسد، گسترش شبه مدرنیسم، بازتولید دینداری در بین جوانان و به‌ویژه دانش‌آموزان این شهر را با اختلال مواجه کرده باشد. با توجه به نقش خانواده در بازتولید دینداری، این تحقیق به بررسی رابطه بین نظم خانواده و بازتولید دینداری در بین جوانان (با تأکید بر دانش‌آموزان) شهر یزد پرداخته است. روش پژوهش، پیمایشی است و ابزار جمع‌آوری داده‌ها، پرسشنامه‌هایی است که پایایی و روایی مورد نیاز را داشته است. بر اساس یافته‌های پژوهش، رابطه بین دینداری و نظم در خانواده تأیید شده است. رابطهٔ بین تحصیلات والدین و فرزندان و بازتولید دینداری نیز معنادار بود؛ همچنین بازتولید دینداری در ابعاد چهارگانه با ابعاد چهارگانه نظم در خانواده رابطه مثبت و معنی‌دار داشت. نتیجه حاصل از رگرسیون گام به گام نشان داد که متغیر نظم در خانواده در مجموع ۳۳ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین می‌کند.

واژه‌های کلیدی: بازتولید دینداری، نظم در خانواده، جوانان، شهر یزد

۱. دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه یزد masoudhajizadehmeymandi@gmail.com

۲. کارشناس ارشد رشته جامعه‌شناسی www.hobut.2006@gmail.com

[Downloaded from mail.qjfr.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1391.9.4.5.7]

مقدمه

امروزه خانواده همچنان به عنوان زیربنایی‌ترین رکن جامعه، مورد توجه تمام متصدّیان تعلیم و تربیت است. سازمان بهداشت جهانی، خانواده را به عنوان عامل اجتماعی اولیه در افزایش سلامت و بهزیستی جامعه معرفی کرده است (کمپل، ۲۰۰۳). از طرف دیگر، جامعه برای استواری و بقا، نیاز به بازتولید خود در نسل‌های بعدی دارد. این نیاز در مورد تمام عناصر، ساخت‌ها و زیرساخت‌ها مسلم انگاشته می‌شود، اما اگر بپذیریم که فرهنگ و اجزای سازندهٔ آن و نمودهای عینی‌اش (رفتارهای فرهنگی و در اینجا دینداری) در رأس هرم نظام اجتماعی است (آن‌گونه که پارسونز به ما نشان می‌دهد) اهمیت موضوع دوچندان خواهد شد. از این منظر، استمرار هویت جامعه و کارکردهای ساختار نظام اجتماعی و زیر ساخت‌های آن (اقتصاد، سیاست، اجتماع) بسته به آن است که الگوهای فرهنگی حفظ و در نسل‌های آتی بازتولید شوند.

در این دیدگاه، بازتولید الگوهای رفتاری و رفتارهای دیندارانه در نسل‌های بعدی با مکانیسم «جامعه‌پذیری» امکانپذیر می‌شود. آموزش و پرورش، وسائل ارتباط جمعی، گروه دوستان و از همه مهم‌تر، خانواده عوامل اساسی این مکانیسم‌اند. در جوامع امروزی، «اجتماعی شدن» پیش از همه در یک زمینهٔ کوچک خانوادگی رخ می‌دهد (گیدنز، ۱۳۸۶: ۱۰۴). جامعه‌شناسان از ابتدا تاکنون همواره از این گفتهٔ پدر علم جامعه‌شناسی (کنت[1]) که خانواده سلول اصلی جامعه است، دفاع کرده‌اند. مطالعهٔ خانواده یکی از مهم‌ترین حوزه‌های جامعه‌شناسی است، زیرا عملاً در تمام جوامع، هرکس در زمینهٔ خانوادگی، پرورش می‌یابد (گیدنز، ۱۹۹۳: ۷۷ و ۳۹۸) و درونی‌کردن و پذیرش فرهنگ جدید، عملاً غیر ممکن است، مگر آنکه توسط خانواده درونی شده باشد (بوردیو، ۱۹۹۳) و خانواده به منزلهٔ کارگاه برنامه‌ریزی عمل می‌کند (برگر و دیگران، ۱۳۸۷: ۸۰) که از طریق نهادمندسازی، نظام نمادین (فرهنگ، هنر، زبان و دین) را در نسل‌های بعدی بازتولید می‌کند (برگر و لاکمن، ۱۹۶۷). در مورد تأثیر خانواده بر فرایند جامعه‌پذیری مذهبی جوانان، تحقیقات اندکی انجام گرفته است (ر.ک، طالبان: ۱۳۷۸) و این تحقیقات عموماً در بررسی سطح پدیده‌ها، مانند ساختار بیرونی خانواده چون تعداد افراد خانوار و غیره باقی

1. A. Comte

[Downloaded from mail.qjfr.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1391.9.4.5.7]

مانده‌اند. به همین جهت پرداختن به ساختارهای درونی خانواده در این فرایند، ضروری به نظر می‌رسد؛ بنابراین، در اینجا با استفاده از نظریات نظم خانواده که برگرفته از ساختارگرایی کارکردی پارسونز است و توسط چلبی بومی شده است، روابط درونی خانواده در مفهوم نظم خانواده تعریف و عملیاتی شده و رابطهٔ آن با بازتولید دینداری در شهر یزد مورد مطالعه قرار گرفته است.

به طور کلی نظم در جامعه‌شناسی، به هر عمل الگویی یا هر قانونمندیی که در رفتار مردم نمایان است، اشاره دارد (اسکیدکور، ۱۳۷۲: ۲۲). در جامعه‌شناسی پارسونی، نظم اجتماعی بستگی به وجود ارزش‌های عام و مابه الاشتراکی دارد که مشروع و ملتزم کننده به حساب می‌آیند و به منزلهٔ معیارهایی عمل می‌کنند که غایات اعمال به وسیلهٔ آن‌ها گزیده می‌شود. پیوند دستگاه‌های اجتماعی و شخصی با جذب ارزش‌ها از طریق فرایند «جامعه‌پذیری» تحقق می‌یابد (آبرکرامبی، ۱۳۷۰: ۴۰۷).

اصطلاح «بازتولید» را می‌توان هم برای تداوم اجتماعی به کار برد و هم برای تداوم زیست‌شناختی گونه‌ها (گیدنز، ۱۳۸۷: ۳۰۶). منظور از بازتولید در اینجا، معنای جامعه‌شناختی آن است. «آنتونی گیدنز» جامعه‌شناس معاصر، بازتولید را به دو نوع بازتولید فرهنگی و بازتولید اجتماعی تقسیم کرده است. بازتولید اجتماعی، روش‌هایی است که جامعه به وسیلهٔ آن، ساختارهای خود (مانند طبقات اجتماعی) را در نسل‌های بعدی درونی می‌کند و از این طریق، زمینهٔ استمرار حیات خود را فراهم می‌نماید. اما در بازتولید فرهنگی، جامعه به انتقال عادات، ارزش‌هاو رفتارهای فرهنگی (مانند رفتارهای دینی) به نسل‌های بعدی می‌پردازد، به طوری‌که این ارزش‌ها، هنجارها و الگوهای رفتاری در نسل‌های بعد نیز تکرار می‌شود (همان منبع).

در نگاه اوّل، این مفهوم به طور آشکار نام بوردیو و مطالعاتش را تداعی می‌کند. بوردیو مفهوم «بازتولید» را در مطالعاتش دربارهٔ نظام آموزشی و نظام آموزش عالی فرانسه به کار برد، آنجاکه نشان داد نظام آموزشی، ساختارهای سلطه و قشربندی اجتماعی را در قالب کارکردی پنهان، بازتولید می‌کند و همچنین نشان داد که چگونه ملاک‌های ارزیابی و منزلت و رقابت بر سر سرمایه‌های نمادین در بین استادان جوان دانشگاهی، بازتولید می‌شود. در ملاحظات بوردیو، بازتولید مفهومی دارد مبتنی بر «مکانیسم انتقال ارزش‌ها و

[Downloaded from mail.qjfr.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1391.9.4.5.7]

هنجارهای راهنمای رفتار در نسل‌های بعـدی، و نمـود عینـی آن عبـارت اسـت از رفتـار و روابط اجتماعی جدید در نسـل‌هـای بعـدی کـه تمایـل دارد بـه حفـظ و بازتولیـد مجـدد ساختارها و وجهه نظرهای قبلی» (بوردیو، ۱۹۹۳). همین مفهوم در مطالعهٔ حاضر با مفهوم بازتولید دینداری، مورد استفاده قرار گرفته است. دلیل این امر این اسـت کـه در مطالعـات اندکی که در مورد جامعه‌پذیری ارزش‌های دینی انجام شده، توجهی به این مسـئله نشـده است که آیا والدین، خود دیندار بوده‌اند تا بتوانند ارزش‌های دیندارانه را به فرزندااان انتقـال دهند یا نه؟ برای اینکه بدانیم آیا روند جامعه‌پذیری دینداری موفق بـوده یـا نـه، دینـداری فرزندان را با والدین مقایسه کرده‌ایم؛ چیزی که ما آن را بازتولید دینداری نامیده‌ایم. هـدف از این پژوهش، بررسی میزان و رابطهٔ بازتولید دینداری با نظـم خـانواده مـی‌باشـد، چراکـه خانواده پایه‌ای‌ترین واحد اجتماعی و پـیش‌نمونـهٔ همبسـتگی‌هـای دیگـر اجتمـاعی اسـت (کوزر، ۱۳۸۳: ۳۳).

برای رسیدن به مفهوم بازتولید دینداری، در ابتدا باید تعریف دقیقی از دینداری داشـته باشیم. تعریف اسمی دینداری، که در برخی مطالعات، به معنای دینی بودن[1]، التزام دینـی[2] و پایبندی دینی[3] آمده است، مبتنی بر تعریف دین است. بیشـتر دانشـمندانی کـه دغدغـهٔ تعریف عملیاتی دینداری را داشته‌اند، دین ـ به‌ویژه در معنای نهادی‌شدهٔ سنتی آن ـ را بـه طور ضمنی یا صریح به معنای نظامی از باورها و رفتار که به مابعدالطبیعه مربوط می‌شـود، در نظر گرفته‌اند. با وجود این، برخی از اندیشمندان، مفهوم وسیع‌تری از دیـن را پذیرفتـه‌ا ند که به همهٔ انواع باورهایی اطلاق می‌شود که به مابعدالطبیعه و ارزش‌های متعالی مربوط است (سراج‌زاده، ۱۳۷۷ : ۲۷).

برای سنجش دینداری، الگـوهـای متفـاوت و متعـددی وجـود دارد. در اینجـا از میـان الگوهای مختلف سنجش دینداری، از الگوی گلاک و استارک استفاده می‌شـود کـه از نظـر محققان و صاحبنظران این عرصه و همچنین مرحوم علامـه جعفـری، بهتـرین الگـو بـرای سنجش دینداری در ایران با توجه به ویژگـی‌هـای بـومی و مـذهبی، معرفـی شـده اسـت. (سراج‌زاده، ۱۳۷۷ و ویلم، ۱۳۸۶ : ۷۴). در این الگو، دینداری به چهار بعد تقسیم می‌شود:

1. Religiousness
2. Religious commitment
3. Religious involvement

[Downloaded from mail.qjfr.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1391.9.4.5.7]

۱. بعد تجربی، ناظر بر تجربیات زندگی معنوی که برای اشخاصی که به آن نایل می‌شوند، این احساس ایجاد می‌شود که با خدا یا یک ذات الهی در ارتباط هستند.
۲. بعد ایدئولوژی، ناظر بر اعتقاد به واقعیت و الوهیت و پیوست‌های آن است. خدا، شیطان، دوزخ، بهشت و غیره.
۳. بعد مناسکی، بر اعمالی که در چارچوب زندگی دینی انجام داده می‌شود ناظر است، مانند نماز، دعا، زیارت.
۴. بعد استنتاجی، ناظر است بر اجرای اصول و فرامین دینی در زندگی روزمره؛ عفو به جای قصاص، درستکاری در داد و ستد. (کیوی، ۱۳۷۰ و سراج‌زاده، ۱۳۸۳ و شجاعی زند، ۱۳۸۴ و گلاک و استارک، ۱۹۶۵).

برای دستیابی به بازتولید دینداری، میزان دینداری فرزندان با والدین در هر چهار بعد مقایسه می‌شود. تفاوت نشان‌دهندهٔ چگونگی بازتولید است. درصورتی‌که دینداری فرزندان نسبت به والدین بیشتر باشد و یا مساوی باشد، بازتولید دینداری موفقیت‌آمیز بوده و بالعکس.

با توجه به آنکه دینداری، کارکردهای مختلفی برای جوانان و به‌ویژه دانش‌آموزان از نظر دادن معنی به زندگی آنان، تقویت نظارت درونی و کاهش انحرافات اجتماعی در میان آنان و افزایش تعلق خاطر به جامعه دارد، کاهش بازتولید دینداری، یکی از آسیب‌هایی است که دغدغهٔ سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان و مجریان آموزشی و پژوهشی است، به‌ویژه آنکه به نظر می‌رسد جهانی‌شدن فرهنگی نیز این فرایند آسیب‌زا را تقویت می‌نماید؛ بنابراین، باید تلاش‌ها و اقدامات در جهت توقف و کاهش این آسیب فرهنگی باشد.

مبانی نظری

نظریهٔ «نظم خرد[1]» که به الهام از نظر پارسونز[2] تدوین شده است، هستهٔ اصلی مسئلهٔ نظم را در کم و کیف انسجام هنجاری می‌بیند که مبتنی بر اصول مشترک ارزش در جامعه است. به بیان دقیق‌تر، در وهلهٔ اول، حل مسئلهٔ نظم، به تنظیم هنجاری روابط بین واحدها[3] بر مبنای اصول مشترک ارزشی که از طریق نهادینه‌شدن اجتماعی و نهادینه‌شدن

1. Micro order
2.T.Parsons
3. Interunit relationship

[Downloaded from mail.qjfr.ir on 2026-09-26]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1391.9.4.5.7]

فرهنگی میسر می‌شود، منوط است و در وهلهٔ دوم، حل مشکل نظم با تنظیم هنجاری درون‌واحدی از طریق درونی‌کردن فرهنگ (چلبی، ۱۵:۱۳۸۴). از دیدگاه کلی پارسونز از میان چهار شکل کارکردی عام برای نظام اجتماعی ۱. مسئلهٔ انطباق با محیط ۲. مسئلهٔ تحصیل هدف ۳. مسئلهٔ انسجام ۴. مسئلهٔ حفظ انگاره‌های فرهنگی، مسئلهٔ اصلی برای نظم اجتماعی در بعد انسجامی می‌باشد (چلبی، ۱۴:۱۳۸۴).

طبق این نظریه، نظم اجتماعی خرد حداقل با چهار بُعد یا چهار مشکل ماهوی مواجه است که این چهار مشکل عبارتند از: ۱. همفکری مشترک ۲. همگامی مشترک ۳. همدلی مشترک ۴. همبختی مشترک. (چلبی، ۲۳۱:۱۳۸۵) این چهار مشکل برای هر گروه اجتماعی وجود دارد. هر گروه یا هر مایی (گروه به معنی جامعه‌شناسی و اجتماعات طبیعی) اگر این چهار مشکل را در خود حل کرده باشد، دارای نظم است و نظم آن متعادل و باثبات است، ولی اگر این چهار مشکل را داشته باشد، نظم و تعادل خود را از دست می‌دهد و دچار اختلال در کارکردها می‌شود. (چلبی، ۲۳۱:۱۳۸۵). بر این اساس، در تحقیق حاضر، فرض بر این است که نظم به معنای جامعه‌شناختی آن، به‌گونه‌ای که بیان شد، لازمهٔ بقا و استمرار خانواده است؛ همچنین وجود نظم، به عنوان عامل تأثیرگذار برای خانواده در اجرای کارکردهاست و نیز طبق مبانی نظری تحقیق، از نظر جامعه‌شناسی، بازتولید دینداری به عنوان ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی، یکی از کارکردهای مهم خانواده است.

در اینجا خانواده به عنوان نوع بارز گروه اجتماعی و این چهار مشکل برای خانواده به مثابهٔ یک گروه ساختاری در نظر گرفته شده است؛ بنابراین، اگر خانواده این چهار مشکل را نداشته باشد، یا آن را چاره‌اندیشی کرده باشد، نظم آن متعادل و باثبات و در اجرای کارکرد اجتماعی‌اش که همان بازتولید ارزش‌ها و هنجارها و رفتارهای دیندارانه است، موفق خواهد بود.

در اینجا دو عنصر اساسی سازندهٔ جامعه در سطح خرد، فرد و تعامل‌اند. از لحاظ تحلیلی، تعامل بالقوه دارای دو وجه عمده است؛ یکی وجه ابزاری و دیگری اظهاری (چلبی، ۱۷:۱۳۸۵) از طریق تعامل اظهاری است که «ما» یا «اجتماع» یا «گروه اجتماعی» شکل

[Downloaded from mail.qjfr.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1391.9.4.5.7]

می‌گیرد (چلبی، ۲۳۱:۱۳۸۵) مفهوم اجتماع عام پارسونزی[1] را اگر به صورت شبکهٔ اتصال اجتماعی در نظر بگیریم، پیوندهای خاص‌گرا ـ انتشاری (یعنی پیوندهای اظهاری قوی) بانی تشکیل گروه‌های محلی، مثل خانواده، گروه‌های قومی و غیره هستند که نوعی وفاداری را از کنشگر طلب می‌کنند، در عوض پیوندهای اظهاری ضعیف که در بستر پیوندهای ابزاری (عام‌گرا ـ ویژه) بین گروهی به وجود می‌آیند که کمتر خاص‌گرا ـ انتشاری و بیشتر عام‌گرا ـ ویژه هستند. این روابط آشنایی (پیوندهای اظهاری ضعیف) به مثابهٔ پل‌های اجتماعی ناقل اطلاعات در سراسر شبکهٔ اجتماعی و به نوبهٔ خود موجب تقویت انسجام کلی دسترس‌پذیری در شبکهٔ اجتماعی هستند.

آنچه افراد را به هم پیوند می‌دهد و باعث تشکیل تعاملات و تکرار، تداوم و بازتولید می‌شود، بعد اظهاری تعامل است. در بعد اظهاری تعامل، فرد حائز ارزش درونی است. تعامل، هدف است نه وسیله، در مقابل در تعامل با وجه ابزاری، دیگری و تعامل برای کنشگر جنبهٔ کاملاً ابزاری دارد. تعاملات ابزاری، سرد، کثیر، تصادفی و مشروطند (چلبی، ۱۷:۱۳۸۴). سنگ بنای «ما» یا «اجتماع» تعامل است، مشروط بر اینکه تعامل، صبغهٔ اظهاری داشته باشد. با تشکیل ما یا گروه است که می‌توان صحبت از انگاره‌های منظم و نسبتاً پایدار تعاملات نمود. در اینجا خانواده به مثابهٔ گروه بارز اجتماعی در نظر گرفته می‌شود.

بر مبنای سه عنصر نظم خرد، یعنی «فرد»، «تعامل» و «ما» در چهارچوب «اجیل پارسونز» چهار نوع تعامل شکل می‌گیرد.

مبادله‌ای A		قدرتJ
	تعامل	
گفتمانی L		ارتباطی I

در نهایت با تشکیل «ما» می‌توان از نوعی نظم اجتماعی خرد سخن گفت؛ این نظم اجتماعی همزمان دربرگیرندهٔ افراد، تعاملات و «ما» است. «ما»یی که خود از دو عنصر افراد و تعاملات تشکیل شده است. جهت حفظ «ما» و بالطبع حفظ الگوهای تعاملی، نظم اجتماعی خرد حداقل در چهار بعد با چهار مشکل ماهوی مواجه است. این چهار مشکل عبارتند از:

1. Social Community

[Downloaded from mail.qjfr.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1391.9.4.5.7]

۱. همفکری مشترک (L) ۲. همگامی مشترک (J) ۳. همدلی مشترک (I) ۴. همبختی مشترک (A)

همبختی A		همگامی J
	نظم خرد	
همفکری L		همدلی I

بر اساس چارچوب نظری پژوهش، بین ابعاد نظم در خانواده و ابعاد بازتولید دینداری رابطه وجود دارد. به این معنا که با تغییر نظم در خانواده، بازتولید دینداری نیز دچار تغییر می‌شود و این تغییر هم در رابطه با میزان‌ها و هم ابعاد صادق است.

پیشینهٔ پژوهش

«تحول فرهنگی در جامعهٔ پیشرفتهٔ صنعتی» عنوان کتابی است که رونالد اینگلهارت، براساس تحقیقات تجربی و پیمایش‌های انجام‌گرفته، به رشته تحریر درآورده است. نتایج حاکی از آن است که اولویت‌های ارزشی مردم غرب، از تأکید بر ارزش‌های مادی به ارزش‌های فرامادی تحول می‌یابد. به عقیدهٔ او هرچه از گروه‌های بزرگ‌تر به گروه‌های جوان‌تر نزدیک می‌شویم، به درصدی که بیانگر کاهش اهمیت خدا در زندگی است، افزوده می‌شود (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۷۳ و ۸۰).

پژوهشی تحت عنوان دینداری و سبک زندگی والدین و مسؤلیت‌پذیری نوجوانان به روش پیمایش در ایالات متحدهٔ آمریکا، توسط لایند جوون و همکارانش انجام شده که نشان می‌دهد دینداری والدین به طور مثبتی مسؤلیت‌پذیری فرزندان را افزایش می‌دهد. در این تحقیق، والدین اقتدارطلب و مسامحه‌گر، از نظر نوع دینداری با نوجوانان خود مقایسه شده‌اند؛ نتیجهٔ به دست آمده نشان می‌دهد دینداری در میان نوجوانان با والدین اقتدارطلب بیشتر است (لایندر جوون، ۱۹۹۹).

«تأثیر زندگی مذهبی خانواده بر چگونگی رابطهٔ مادر و فرزند» عنوان پژوهش دیگری است که توسط دو تن از پژوهشگران آمریکایی با روش مطالعهٔ طولی در فاصلهٔ سال‌های ۱۹۶۱تا ۱۹۸۵ انجام شده است. در این تحقیق نتایج قابل توجهی در مورد نقش و تأثیر

[Downloaded from mail.qjfr.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1391.9.4.5.7]

دینداری خانواده بر روابط نسلی به‌ویژه رابطهٔ مادر و فرزند گزارش شده است (پیرس، ۱۹۹۸).

پژوهشی با عنوان فاصلهٔ نسلی با تأکید بر وضعیت دینداری و ارزش‌های اجتماعی در سال ۱۳۸۲ به شیوهٔ پیمایش و از طریق مصاحبهٔ ساختمند در قالب یک پرسشنامه از افراد بالای ۱۵ سال شهر دهدشت انجام شد. هدف این پژوهش، پی‌بردن به پیامدها و آثار تغییرات فرهنگی ـ اجتماعی بر فاصلهٔ نسلی و بررسی تطبیقی دینداری و ارزش‌های اجتماعی در بین جوانان و بزرگ‌ترها بود. نتیجه نشان می‌دهد بین نسل جوان و بزرگ‌ترها از لحاظ میزان دینداری، رابطه وجود دارد (ربانی، ۱۳۸۴).

تحقیقی پیمایشی که سراج‌زاده با عنوان نگرش‌ها و رفتارهای دینی نوجوانان تهرانی و دلالت‌های آن برای نظریهٔ سکولارشدن انجام داد، به این نتیجه رسید که باورها و عواطف دینی، دارای مقبولیت و محبوبیت در بین جوانان جامعه است. تفاوت در میزان دینداری نیست، بلکه تفاوت بین دو گروه، در نوع دینداری است. به‌گونه‌ای که دینداری نوجوانان، نسبتاً شخصی شده است و شخصی‌شدن، یکی از شاخص‌های عرفی‌شدن دین است (سراج‌زاده: ۱۳۷۷ و ۱۳۸۳).

در تحقیقی که طالبان به روش پیمایشی با عنوان سنجش دینداری جوانان انجام داد، به این نتیجه رسید که دینداری در بین جوانان و دانش‌آموزان منطقه ۵ تهران، بالاست و نگرانی نسبت به آن ناشی از مقایسهٔ نادرست نوع دینداری والدین و بزرگسالان با فرزندان است. از نظر او نوع دینداری فرزندان با والدین متفاوت است و از حوزهٔ عاطفی به عقلانی گرایش پیدا می‌کند (طالبان: ۱۳۷۷).

تحقیقی نیز با عنوان رابطهٔ بین دینداری و بحران هویت در بین دانش‌آموزان یزدی در سال ۱۳۸۲ توسط دهشیری و با روش پیمایش، انجام شده است که نشان می‌دهد بین بحران هویت و دینداری، رابطهٔ معکوس وجود دارد (دهشیری: ۱۳۸۲).

روش‌شناسی تحقیق

روش این پژوهش از نوع پیماشی است، ضمن اینکه برای تدوین ملاحظات نظری و سوابق تجربی تحقیق، از روش کتابخانه‌ای (اسنادی) نیز بهره گرفته شده است. این پژوهش به لحاظ معیار زمان، مقطعی؛ به لحاظ کاربرد، کاربردی و به لحاظ معیار، ژرفایی پهنانگر بوده

[Downloaded from mail.qjfr.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1391.9.4.5.7]

است. ابزار مورد استفاده در این مطالعه، پرسشنامه است. پرسشنامه بعد از احـراز اعتبـار و پایایی در مرحلهٔ مقدماتی، برای جمع‌آوری داده‌ها در مرحلـهٔ نهـایی، مـورد اسـتفاده قـرار گرفت که در ادامه میزان پایایی بررسی می‌شود.

فرضیات پژوهش

- بین بازتولید دینداری و نظم در خانواده رابطهٔ معنی‌داری وجود دارد.
- بین بازتولید دینداری و متغیرهای زمینه‌ای پـژوهش، رابطـهٔ معنـی‌داری وجـود دارد.

سنجش و تعریف عملیاتی متغیرها

در اینجا دو متغیر اساسی نظم خانواده و بازتولید دینداری، عملیاتی شده و مـورد سـنجش قرار گرفته است.

متغیر مستقل نظم خانواده بر اساس مبنای نظری، بـه چهـار بعـد تقسـیم شـده اسـت. همدلی، همفکری، همگامی و همبختی. بعد همدلی، شامل پـنج شـاخص: علاقـه نداشـتن والدین به همدیگر، علاقه فرزندان به پدر، علاقه فرزندان به مادر، علاقه پـدر بـه فرزنـدان و علاقه مادر به فرزندان، با استفاده از طیف لیکرت پنج‌گزینه‌ای در ۸ گویه؛ همفکری شـامل چهار شاخص: دخل و خرج، خرید وسایل، دیـد و بازدیـد و تربیـت فرزنـدان در ۱۸ گویـه؛ همبختی شامل چهار شاخص: تحمل مشکلات توسط مادر، تحمل مشـکلات توسـط پـدر، دردناک‌بودن شکست برای پدر، دردناک‌بودن شکست برای مادر در ۷ گویه؛ همگامی شامل سه شاخص: صرف نظرکردن از خواسته‌ها، صرف نظرکردن از مسافرت، صرف نظرکـردن از غذاهای مورد علاقه در ۱۵گویه، مورد سنجش قـرار گرفـت. سـپس حاصـل جمـع نمـرات مقیاس چهار بعد، به عنوان متغیر نظم خانواده در نظر گرفته شد.

متغیر وابسته: جهت ارائهٔ تعریف عملیاتی برای متغیر وابسته، یعنی بازتولیـد دینـداری، براساس تعریف دینداری طبق الگوی گلاک و استارک، دینـداری بـه چهـار بعـد اعتقـادی، عاطفی (تجربی)، پیامدی و مناسکی تقسیم شـد. بعـد اعتقـادی بـا ۷ گویـه، بعـد عـاطفی (تجربی) نیز با ۶ گویه، بعد پیامدی با ۶ گویه و بعد مناسکی بـا ۷ گویـه پـنج گزینـه‌ای در طیف لیکرت، مورد سنجش قرار گرفت. سپس معدل نمرات مقیاس چهـار بعـد بـه عنـوان

[Downloaded from mail.qjfr.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1391.9.4.5.7]

متغیر دینداری برای دو گروه تعریف شد. در نتیجه متغیر وابسته بازتولید دینداری، حاصل تفریق نمرات دینداری والدین از فرزندان است. درصورتی‌که نمرهٔ حاصل، از تفریق صفر به بالا باشد (مثبت) بازتولید موفق و چنانکه نمره به دست‌آمده منفی باشد، بازتولید ناموفق بوده است.

جامعهٔ آماری، خانواده‌های یزدی ساکن شهر یزدند که یک صفت مشترک دارند و آن صفت، داشتن حداقل یک فرزند در گروه سنی (۲۴-۱۵) که اغلب دانش‌آموز است، می‌باشد. واحد تحلیل در این بررسی، خانواده است. واحد مشاهده در پژوهش حاضر، فرد است که عبارت است از: فرزند خانواده و یکی از والدین همجنس با فرزند مورد سؤال. این پژوهش به صورت مصاحبه و از طریق پرسشنامه انجام گرفت. دو نوع پرسشنامه تدوین شد؛ یک پرسشنامه برای فرزندان، که حاوی سؤالات مربوط به سنجش میزان نظم در خانواده بود به همراه پرسشنامهٔ مربوط به سنجش میزان دینداری آنان و پرسشنامه‌ای که در اختیار والدین قرار گرفت و شامل سؤالات مربوط به سنجش دینداری والدین بود.

روائی[1] و پایائی[2] ابزار جمع‌آوری داده‌ها

جدول شمارهٔ ۱. ضریب آلفای کرونباخ محاسبه‌شده برای هر متغیر و ابعاد آن

ابعاد نظم خانواده	همدلی	همفکری	همبختی	همگامی
مقدار آلفای کرونباخ	۰/۷۸	۰/۸۱	۰/۸۳	۰/۷۳
ابعاد دینداری	اعتقادی	تجربی	پیامدی	مناسکی
مقدار آلفای کرونباخ	۰/۷۰	۰/۸۵	۰/۸۰	۰/۷۴

در این پژوهش، برای تعیین روائی، از نوع صوری آن، یعنی مراجعه به متخصصان و کارشناسان و نظرخواهی از آنان استفاده شده است و برای سنجش پایائی نیز، از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده که میزان آن برای متغیرهای مهم تحقیق در جدول شمارهٔ (۱) آمده است.

1. Validity
2. Reliability

[Downloaded from mail.qjfr.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1391.9.4.5.7]

بحث و نتیجه‌گیری

به منظور رعایت اختصار، داده‌های جمعیت‌شناختی آزمودنی‌ها به شکل جداول زیر خلاصه شد.

جدول شمارهٔ ۲. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی فرزندان

متغیرهای جمعیت‌شناختی		بین۱۵تا ۱۸	بالاتر از ۱۸
سن	تعداد	۸۴	۲۵۱
	درصد	۲۵/۱۰	۷۴/۹۰
جنس		مونث	مذکر
	تعداد	۲۱۳	۱۲۲
	درصد	۶۳/۶۰	۳۶/۴۰
تحصیلات		زیر دیپلم	دیپلم و بالاتر
	تعداد	۱۵۸	۱۷۷
	درصد	۴۷/۱۶	۵۲/۸۴

داده‌های جدول، نشان می‌دهد که ۲۵/۱۰ درصد از فرزندان، بین ۱۵ تا ۱۸ ساله و ۷۴/۹۰ درصد نیز بالاتر از ۱۸ سال دارند، همچنین ۶۳/۶۰ درصد از آنان مؤنث و ۳۶/۴۰ درصد نیز مذکر بوده‌اند. از میان فرزندان، ۴۷/۱۶ درصد زیر دیپلم و ۵۲/۸۴ درصد نیز دیپلم و بالاتر سواد دارند.

جدول شمارهٔ ۳. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی والدین

متغیرهای جمعیت‌شناختی		مؤنث	مذکر
جنس	۲۱۳	۲۱۳	۱۲۲
	۶۳/۶۰	۶۳/۶۰	۳۶/۴۰
درآمد ماهانه		زیر۸۰۰هزار تومان	۸۰۰هزار و بالاتر
	تعداد	۲۴۴	۹۱
	درصد	۷۲/۸۴	۲۷/۱۶
تحصیلات		زیر دیپلم	دیپلم و بالاتر
	تعداد	۲۴۲	۹۳
	درصد	۷۲/۲۴	۲۷/۷۶
شغل		کارمند	غیر کارمند
	تعداد	۱۶۰	۱۷۵
	درصد	۴۷/۷۶	۵۲/۲۴

[Downloaded from mail.qjfr.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1391.9.4.5.7]

جهت بالا رفتن دقت سنجش بازتولید دینداری، پس از ارائهٔ پرسشنامهٔ دینداری به فرزند هر خانواده، سعی شد تا والد یا والدهٔ مورد سؤال آن فرزند نیز، همجنس با فرزند مورد آزمون باشد؛ بنابراین، تعداد افراد مؤنث و مذکر در بین والدین با فرزندان یکسان است. درآمد ماهانه ۷۲/۸۴ درصد از خانواده‌ها زیر ۸۰۰ هزار تومان و ۲۷/۱۶ درصد نیز بالاتر از ۸۰۰ هزار تومان است. ۷۲/۲۴ درصد از والدین، تحصیلات زیر دیپلم و ۲۷/۷۶ درصد نیز دیپلم و بالاتر سواد دارند. ۴۷/۷۶ درصد از والدین مورد سؤال، شغل‌های کارمندی و ۵۲/۲۴ درصد از آنان نیز شغل‌های غیر کارمندی داشته‌اند.

جدول شمارهٔ ۴. توزیع فراوانی نظم و ابعاد چهارگانه آن

نظم و ابعاد چهارگانه آن		همدلی	همفکری	همبختی	همگامی	نظم
خیلی زیاد	درصد	۵۶/۴	۲/۷	۲۶/۹	۶/۰	۲۳/۹
	درصدتجمعی	۵۶/۴	۲/۷	۲۶/۹	۶/۰	۲۳/۹
زیاد	درصد	۲۹/۳	۵۲/۵	۴۸/۷	۳۵/۲	۵۱/۹
	درصدتجمعی	۸۵/۷	۵۵/۲	۷۵/۶	۴۱/۲	۷۵/۸
متوسط	درصد	۱۰/۷	۳۶/۱	۱۹/۷	۳۴/۰	۱۶/۴
	درصدتجمعی	۹۶/۴	۹۱/۳	۹۵/۳	۷۵/۲	۹۲/۲
کم	درصد	۳/۰	۸/۷	۴/۵	۱۹/۷	۶/۹
	درصدتجمعی	۹۹/۴	۱۰۰	۹۹/۸	۹۴/۹	۹۹/۱
خیلی کم	درصد	۰/۶	۰	۰/۳	۵/۰	۰/۹
	درصدتجمعی	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
میانگین		۷۹/۰۹	۵۸/۹۸	۶۸/۱۱	۵۴/۰۷	۶۸/۵۶

همان‌طور که در جدول فوق ملاحظه می شود، بیشترین فراوانی در مورد همدلی، مربوط به خیلی زیاد با ۵۶/۴ درصد و کمترین فراوانی مربوط به گزینه خیلی کم با ۰/۶درصد است. همدلی در خانواده‌های مورد مصاحبه به میزان ۸۵/۷ درصد زیاد و خیلی زیاد و ۳/۶ درصد کم و خیلی کم گزارش شده که به معنی میزان همدلی بسیار بالا در خانواده‌های مذکور است. بیشترین فراوانی همفکری خانواده با ۵۲/۵ درصد در مقولهٔ زیاد و کمترین فراوانی در مقولهٔ خیلی کم (۰/۰ درصد) گزارش شده است و در مجموع ۵۵/۲ درصد ترکیب مقوله‌های زیاد و خیلی زیاد و ۸/۷ درصد از ترکیب مقولات کم و خیلی کم در همفکری، نشان از همفکری نسبتاً زیاد در خانواده‌هاست.

[Downloaded from mail.qjfr.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1391.9.4.5.7]

در مورد همبختی، بیشترین فراوانی در مقوله زیاد (۴۸/۷ درصد) و کمترین فراوانی در مقوله خیلی کم (۰/۳ درصد) گزارش شده است. ترکیب مقوله‌های زیاد و خیلی زیاد در همبختی ۷۵/۶ درصد و ترکیب کم و خیلی کم، ۴/۸ درصد را نشان می‌دهد که نشان از همبختی بالا در خانواده‌هاست. در مورد همگامی، بیشترین فراوانی مربوط به مقوله زیاد (۳۵/۲ درصد) و کمترین فراوانی در مقوله خیلی کم (۵/۰ درصد) مشاهده می‌شود و ترکیب مقوله‌های زیاد و خیلی زیاد نشان‌دهنده ۴۱/۲ درصد و کم و خیلی کم ۲۴/۷ درصد را نشان می‌دهد که نشان از همگامی نسبتاً کم در خانواده‌هاست. در مورد نظم خانواده که از ترکیب چهار بعد مذکر به دست آمده بیشترین فراوانی در مقوله زیاد (۵۱/۹ درصد) و کمترین فراوانی در مقوله خیلی کم (۰/۹ درصد) گزارش شده است. درصد به دست آمده حاصل از ترکیب مقولات، ۷۵/۸ درصد، زیاد و خیلی زیاد و ۷/۸ درصد، کم و خیلی کم را نشان می‌دهد که بیانگر نظم بالای خانواده‌های مورد مطالعه است. همچنین ملاحظه می‌شود که میانگین ابعاد چهارگانهٔ نظم خانواده به ترتیب عبارتند از: همدلی (۷۹/۰۹ ٪)، همبختی (۶۸/۱۱٪)، همفکری (۵۸/۹۸٪) و همگامی (۵۴/۰۷٪). میانگین نظم خانواده نیز ۶۸/۵۶ درصد گزارش شده است. لازم به ذکر است که میانگین در تمام موارد فوق، از حد دامنه (۵۰) بیشتر است.

جدول شمارهٔ ۵. توزیع فراوانی بازتولید دینداری و ابعاد چهارگانه آن

بازتولید دینداری و ابعاد آن		اعتقادی	عاطفی	پیامدی	مناسکی	دینداری
خیلی زیاد	درصد	۲/۷	۴/۵	۰/۶	۴/۲	۳/۰
	درصدتجمعی	۲/۷	۴/۵	۰/۶	۴/۲	۳/۰
زیاد	درصد	۲۰/۳	۳۱/۹	۳/۹	۲۱/۸	۲۱/۸
	درصدتجمعی	۲۳/۰	۳۶/۴	۴/۵	۲۶/۰	۲۴/۸
متوسط	درصد	۶۰/۰	۵۰/۱	۳۹/۷	۵۵/۲	۶۰/۹
	درصدتجمعی	۸۳/۰	۸۶/۶	۴۴/۲	۸۱/۲	۸۵/۷
کم	درصد	۱۱/۰	۱۰/۷	۴۸/۱	۱۴/۳	۱۱/۶
	درصدتجمعی	۹۴/۰	۹۷/۳	۹۲/۲	۹۵/۵	۹۷/۳
خیلی کم	درصد	۶/۰	۲/۷	۷/۸	۴/۵	۲/۷
	درصدتجمعی	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
میانگین		-۳/۵۶	-۷/۴	۳۲/۵۲	-۴/۱۰	۷/۱۳

[Downloaded from mail.qjfr.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1391.9.4.5.7]

جدول بالا نشان می‌دهد کـه در بعـد اعتقـادی بازتولیـد دینـداری، بیشـترین فراوانـی مربـوط به مقـولهٔ متـوسـط (۶۰/۰٪)، و کمترین فراوانی مربـوط بـه خیلـی زیـاد (۲/۷٪) است. همچنین درصد تجمعی زیاد و خیلی زیاد، ۲۳/۰ درصد را در مقابل ۱۷/۰ درصد کـم و خیلی کم نشان می‌دهد که نشان‌دهندهٔ میزان بازتولیـد کـم در ایـن بعـد اسـت. در بُعـد عاطفی، بیشترین فراوانی مربوط به مقوله متوسط (۵۰/۱٪) و کمترین فراوانـی متعلـق بـه خیلی کم (۲/۷٪) است. همچنین درصد تجمعی زیاد و خیلـی زیـاد ۳۶/۴ درصـد در برابـر درصد تجمعی کم و خیلی کم (۱۳/۴٪) است. در بعد پیامدی، بیشترین فراوانی مربوط بـه کم (۴۸/۱٪) و کمترین فراوانی مربوط به خیلی زیاد (۰/۶٪) می‌باشد. درصد تجمعی زیاد و خیلی زیاد در این بعد، ۴/۵ درصد در برابر درصد تجمعی کم و خیلی کـم (۵۵/۹٪) نشـان می‌دهد که در بعد پیامدی، میزان بازتولید بسیار کمی وجـود دارد. در بعـد مناسـکی نیـز، بیشترین فراوانـی در مقولـه متوسـط (۵۵/۲٪) و کمتـرین فراوانـی در خیلـی زیـاد (۴/۲) مشاهده می‌شود. درصد تجمعی زیاد و خیلی زیاد در این بعد برابر با ۲۶/۰ درصـد و کـم و خیلی کم برابر با ۱۸/۸ درصد است. همچنین میـزان بازتولیـد دینـداری بـه میـزان ۸۵/۷ متوسط رو به بالا و ۱۳/۳ درصد کم و خیلی کم گزارش شده است. میانگین‌هـای بازتولیـد ابعاد دینداری به ترتیب فراوانی عبارتنـد از: عـاطفی (۷/۴-)، مناسـکی (۴/۱۰-)، اعتقـادی (۳/۵۶-)، و پیامدی (۳۲/۵۲). میانگین دینداری فرزندان ۷/۱۳ گزارش شده است.

جدول شمارهٔ ۶. خروجی آزمون پیرسون در مورد رابطه بین سن و درآمد با بازتولید دینداری و ابعاد آن

	اعتقادی	عاطفی	پیامدی	مناسکی	دینداری
سن	/۰۹۱ /۰۹۸	/۰۸۱ /۱۴۱	/۰۵۰ /۳۶۶	/۱۴۹ /۰۰۶	/۱۴۸ /۰۰۷
درآمد	-/۰۵ /۳۱۶	-/۱۶۷ /۰۰۲	-/۰۱۳ /۰۲	-/۲۰۲ /۰۰۰	-/۱۷۷ /۰۰۱

خروجی آزمون نشان مـی دهـد کـه رابطـهٔ معنـی‌داری بـین سـن فرزنـدان و بازتولیـد دینداری و هیچ‌کدام از ابعاد آن وجود ندارد. همچنین ملاحظه می‌شود کـه بـین درآمـد و بازتولید در ابعاد دینداری (به جز بعد اعتقادی) رابطـهٔ معکوسـی اسـت، یعنـی بـا افـزایش درآمد، از میـزان بازتولیـد دینـداری در ابعـاد عـاطفی، پیامـدی و مناسـکی و بازتولیـد در

[Downloaded from mail.qjfr.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1391.9.4.5.7]

دینداری کاسته می‌شود.

جدول شمارهٔ ۷. خروجی آزمون تحلیل واریانس در مورد رابطه بین تحصیلات پدر و مادر و فرزند و بازتولید دینداری

میانگین / تحصیلات	ابتدایی و راهنمایی	متوسطه و دیپلم	فوق دیپلم ولیسانس	تحصیلات عالی	حوزوی	F	Sig
تحصیلات پدر	۹/۷۱	۹/۵۹	۱/۲۳	-۰/۱۷	۴۶/۲۱	۵/۵۳	۰/۰۰۰
تحصیلات مادر	۸/۷۰	۵/۵۸	۶/۱۹	-۲/۹۰	۲۱/۷۲	۱/۸۰	۰/۰۹۸
تحصیلات فرزند	۰/۱۴	۴/۸۷	۰/۵۵	۱۴/۱۶	۲۳/۶۹	۶/۱۷	۰/۰۰۰

داده‌های جدول نشان می‌دهد که رابطه معنی‌داری بین تحصیلات پدر خانواده و بازتولید دینداری وجود دارد. جدول فوق همچنین نشان می‌دهد که در خانواده‌هایی که پدر، تحصیلات عالی (فوق لیسانس و دکترا) دارد، میانگین بازتولید دینداری منفی ۰/۱۷- است؛ بنابراین، بین تحصیلات پدر و بازتولید دینداری رابطه معنی‌دار و منفی وجود دارد و با بالا رفتن تحصیلات پدر، میزان بازتولید دینداری کاهش می‌یابد؛ همچنین، رابطه بین تحصیلات مادر خانواده و بازتولید دینداری، معنی‌دار نیست. نکتهٔ قابل تأمل اینکه میانگین بازتولید دینداری در فرزندان مادرانی که تحصیلات عالی (فوق لیسانس و دکترا) دارند منفی ۲/۹۰- است.

بر طبق داده‌های جدول فوق، رابطه بین تحصیلات فرزند خانواده و میزان بازتولید معنی‌دار است. به‌گونه‌ای که میانگین بازتولید دینداری با بالا رفتن تحصیلات، افزایش می‌یابد؛ بنابراین، بین تحصیلات فرزند و بازتولید دینداری رابطه معنی‌دار و مثبت وجود دارد.

[Downloaded from mail.qjfr.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1391.9.4.5.7]

جدول شمارهٔ ۸. خروجی آزمون تحلیل واریانس در مورد بین شغل پدر و بازتولید دینداری

شغل پدر / میانگین بازتولید	کارمند	آزاد	کارگر	بازنشسته	بیکار
	۵/۲۵	۳/۱۵	۸/۶۰	۱۵/۲۲	۹/۳۸

Sig=۰/۰۰۱ F= ۴/۲۹

شغل مادر / میانگین بازتولید	شاغل	خانه دار
	۴/۱۸	۸/۶۳

Sig=۰/۰۲ F= ۵/۱۵

داده‌های جدول فوق نشان می‌دهد که رابطه معنی‌داری بین شغل پدر خانواده و میـزان بازتولید دینداری وجود دارد. میانگین بازتولید دینداری در خانواده‌هایی که پدر شـغل آزاد دارد، ۳/۱۵ ، در خانواده‌هایی که پدر شغل کارمندی دارد، ۵/۲۵ ، در خانواده‌هایی که پـدر شغل کارگری دارد، ۸/۶۰ ، در خانواده‌هایی که پدر بیکار است، ۹/۳۸ و در خانواده‌هایی که پدر بازنشسته است، ۱۵/۲۲ می‌باشد. به نظر می‌رسد با افزایش حضور پدر در خـانواده و یـا با فراغت بیشتر پدر برای در کنار فرزندان بودن که از نوع شـغل تـأثیر مـی‌پـذیرد، میـزان بازتولید دینداری در فرزندان بیشتر می‌شود.

جدول شمارهٔ ۹. خروجی آزمون پیرسون در مورد رابطه بین ابعاد نظم خانواده و بازتولید ابعاد دینداری

ابعاد نظم / ابعاد دینداری	همدلی	همفکری	همبختی	همگامی
اعتقادی	۰/۳۹۰ ۰/۰۰۰	۰/۳۷۵ ۰/۰۰۰	۰/۳۳۵ ۰/۰۰۰	۰/۴۶۳ ۰/۰۰۰
عاطفی	۰/۳۱۶ ۰/۰۰۰	۰/۲۸۳ ۰/۰۰۰	۰/۲۶۱ ۰/۰۰۰	۰/۲۸۳ ۰/۰۰۰
پیامدی	۰/۱۴۵ ۰/۰۸	۰/۱۲۹ ۰/۰۱۸	۰/۱۲۳ ۰/۰۲۵	۰/۲۳۱ ۰/۰۰۰
مناسکی	۰/۳۶۲ ۰/۰۰۰	۰/۳۳۷ ۰/۰۰۰	۰/۳۲۱ ۰/۰۰۰	۰/۳۶۶ ۰/۰۰۰

[Downloaded from mail.qjfr.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1391.9.4.5.7]

همان‌طور که در جدول فوق ملاحظه می‌شود، نتیجه آزمون پیرسون نشان‌دهندهٔ رابطهٔ مثبت و معنی‌دار بین ابعاد چهارگانهٔ نظم خانواده و بازتولید دینداری در بعد اعتقادی است، به معنی اینکه هرچه میزان همدلی، همفکری، همبختی و همگامی در خانواده بیشتر باشد، میزان بازتولید دینداری در بعد اعتقادی نیز بیشتر است؛ بنابراین، بین ابعاد چهارگانه نظم خانواده و میزان بازتولید دینداری در بعد اعتقادی، رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد. همچنین نتیجه آزمون پیرسون نشان‌دهنده رابطه مثبت و معنی‌دار بین ابعاد چهارگانه نظم خانواده و میزان بازتولید دینداری در بعد عاطفی است، به معنی اینکه هرچه میزان همدلی، همفکری، همبختی و همگامی در خانواده بیشتر باشد، میزان بازتولید دینداری در بعد عاطفی نیز بیشتر است.

نتیجهٔ آزمون پیرسون همچنین نشان‌دهندهٔ رابطهٔ مثبت و معنی‌دار بین سه بعد از ابعاد چهارگانه نظم خانواده و بازتولید دینداری در بعد پیامدی است، یعنی هرچه میزان همدلی، همفکری و همگامی در خانواده بیشتر باشد، میزان بازتولید دینداری در بعد پیامدی نیز بیشتر است. در اینجا فرض صفر مبنی بر عدم رابطه رد شده و فرض مخالف بدین صورت پذیرفته می‌شود که بین بعدهای همدلی، همفکری و همگامی و بازتولید دینداری در بعد پیامدی رابطه وجود دارد.

لازم به ذکر است که رابطه بین همدلی و بازتولید در بعد پیامدی معنی‌دار نیست (Sig=0/08) بین همدلی خانواده و بازتولید دینداری در بعد پیامدی، رابطه معنی‌داری وجود ندارد.

همچنین نتیجه آزمون پیرسون نشان‌دهندهٔ رابطهٔ مثبت و معنی‌دار بین ابعاد چهارگانه نظم خانواده و بازتولید دینداری در بعد مناسکی است، یعنی هرچه میزان همدلی، همفکری، همبختی و همگامی در خانواده بیشتر باشد، میزان بازتولید دینداری در بعد مناسکی نیز بیشتر است.

جدول شمارهٔ (۱۰): خروجی آزمون پیرسون در مورد رابطه بین ابعاد نظم خانواده و بازتولید دینداری

ابعاد نظم / بازتولید دینداری	همدلی	همفکری	همبختی	همگامی
	۰/۴۰۵	۰/۳۷۵	۰/۳۴۷	۰/۴۳۹
	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰

[Downloaded from mail.qjfr.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1391.9.4.5.7]

همان‌طورکه در جدول فوق ملاحظه می‌شود، نتیجه آزمون پیرسون نشان‌دهندۀ رابطۀ مثبت و معنی‌دار بین ابعاد چهارگانه نظم خانواده و بازتولید دینداری در فرزندان است، یعنی هرچه میزان همدلی، همفکری، همبختی و همگامی در خانواده بیشتر باشد، میزان بازتولید دینداری در فرزندان نیز بیشتر است.

جدول شمارۀ ۱۱: خروجی آزمون پیرسون در مورد رابطه بین بازتولید دینداری و ابعاد آن و نظم خانواده

نظم / ابعاد دینداری	اعتقادی	عاطفی	پیامدی	مناسکی	دینداری
نظم خانواده	۰/۴۷۴ ۰/۰۰۰	۰/۳۴۱ ۰/۰۰۰	۰/۱۹۱ ۰/۰۰۰	۰/۴۱۳ ۰/۰۰۰	۰/۴۷۰ ۰/۰۰۰

طبق جدول شمارۀ (۱۱)، نتیجه آزمون پیرسون نشان‌دهندۀ رابطۀ مثبت و معنی‌دار بین نظم خانواده و بازتولید دینداری در ابعاد چهارگانه و بازتولید دینداری در فرزندان است، یعنی هرچه میزان نظم در خانواده بیشتر باشد، میزان بازتولید دینداری در ابعاد چهارگانه دینداری بیشتر است.

جدول شمارۀ ۱۲. خروجی آزمون رگرسیون گام به گام در مورد رابطه بین بازتولید دینداری و متغیرهای مستقل

	Beta	T	Sig (t)	B	Std
نظم خانواده	۰/۳۳	۷/۲۸	۰/۰۰۰	۱/۶	۱۷/۳
درآمد	-۰/۱۷	-۳/۷	۰/۰۰۰	-۷/۱	۴۸

R2 =/۴۹۱ Std =۱۷/۱۴ Sig (F) =۰/۰۰۰ F =۴۲/۱۰۵

R =0.527 Adjusted R=0.481

همان‌طور که در جدول فوق ملاحظه می‌شود، ضریب تعیین مدل به دست آمده، شامل دو متغیر، برابر R^2=۰/۴۹۱ که بیانگر آن است که حدود ۴۹ درصد از واریانس میزان بازتولید دینداری، توسط متغیرهای موجود در معادله رگرسیون تبیین می‌شود؛ همچنین مدل رگرسیونی تبیین‌شده نیز بر اساس آزمون F، معنادار است. (P=۰/۰۰۰، F=۴۲/۱۰۵). متغیر نظم در خانواده به تنهایی ۳۳٪ از واریانس متغیر وابسته را تعیین می‌کند.

بنابراین می‌توان گفت که هر چقدر میزان نظم در خانواده بیشتر باشد، میزان دینداری جوانان نیز بیشتر می‌شود و طبق چارچوب نظری تحقیق می‌توان نتیجه گرفت که خانواده

[Downloaded from mail.qjfr.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1391.9.4.5.7]

با نظم بیشتر در انتقال ارزش‌های دینی به نسل جوان موفق‌تر است؛ همچنین نتیجه رگرسیون نشان می دهد که بالا رفتن درآمد، در میزان بازتولید دینداری اثر کاهنده دارد.

نتیجه‌گیری

اولین ضرورت برقراری رابطه از هر نوع، وجود نوعی نمادها و اطلاعات مشترک است. این ضرورت حتی در تعامل صرفاً ابزاری نیز پابرجاست. اما زمانی که پای روابط اظهاری به میان می‌آید، حداقل نوعی اطلاعات ارزشی و هنجاری مشترک نیز لازم است. فرهنگ مشترک یا نظام نمادی، ضرورتاً جنبه‌های معینی از اهمیت هنجاری برای کنشگر دارد. تا وقتی که این نظام وجود دارد، رعایت اصولی از طرف خود ضروری است تا دیگری او را بفهمد و خود بتواند نوع کنش دیگری را که انتظار دارد، استنباط کند (پارسونز و شیلز،۱۳۸۳: ۹۷)؛ بنابراین، بدون حداقل مجموعه‌ای از نمادها، اطلاعات و ارزش‌های مشترک، پایداری نسبی تعاملات و «ما» (در اینجا خانواده) قابل تصور نیست. اما درصورتی‌که همفکری مشترک در ابعاد فوق‌الذکر نباشد، در سه عنصر نظم، یعنی فرد، تعامل و «ما» اختلال حاصل می‌شود، قابلیت یادگیری فرد کاهش می‌یابد، از ظرفیت اجرای فرد به طور مؤثر استفاده نمی‌شود و ذخیرهٔ نمادی شخص، منحصر به فرد و محدود باقی می‌ماند. نقشه‌های شناختی فرد اصلاح و تعمیم نمی‌پذیرند و به تبع این‌ها، فرد حداقل قدرت کنترل و انطباق خود را نسبت به محیط، به طور مؤثر از دست می‌دهد (چلبی، ۱۳۸۴) و احتمالاً فرایند جامعه‌پذیری و به دنبال آن بازتولید ارزش‌ها و هنجارهای دیندارانه و دینداری، دچار اختلال می‌شود.

نظم اجتماعی، نوعی سازش بیرونی[1]را طلب می‌کند، عمدتاً به دلیل اینکه افراد، هرکدام در بعد ارگانیکی و ظرفیت اجرا (G) منحصر به فرد هستند. به علاوه، گرچه در خلال «جامعه‌پذیری» فرض بر این است که همگی، نیازهایشان هنجاری شود، مع ذالک هرکدام در فرایند یادگیری و «جامعه‌پذیری»، در ارتباط با محیط‌های مختلف، تجربیات منحصر به فرد کسب می‌کنند؛ بنابراین، قابل تصور است که افراد، هرکدام خواسته‌ها وتمنیات نسبتاً مختص به خود داشته باشند. در یک کلام، افراد ضمن اینکه نفع مشترک دارند، همزمان

1. External conformity

[Downloaded from mail.qjfr.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1391.9.4.5.7]

به طور نسبی و بالقوه حائز منافع متضاد، به‌ویژه در موقعیت کمیابی نیز هستند. بدین ترتیب جهت جلوگیری از بالفعل‌شدن تضاد منافع و حادشدن آن لازم است راه حلی پیدا شود، به‌طوری‌که از طریق سازش بیرونی، عملاً به نوعی وحدت عمل و همگامی مشترک نائل آیند؛ بنابراین، یکی از مسائل نظم خرد، ایجاد همگامی مشترک است. بدیهی است درصورتی‌که مسئلهٔ همگامی مشترک (سازش دوجانبه) حل نشود، مصالح بلندمدت و جمعی، تحت‌الشعاع مصالح فردی و کوتاه‌مدت قرار می‌گیرد. نتیجه آنکه حداقل خانواده در ارتباط بیرونی، قدرت انطباقی خود را از دست می‌دهد و از لحاظ درونی دچار مشکل انسجامی می‌شود (ر.ک. چلبی، ۱۳۸۴). و در ارائه کارکرد مورد نظر که همان بازتولید دینداری در فرزندان است، دچار مشکل می‌شود.

خمیرمایهٔ اصلی «ما» (خانواده) احساس تعلق افراد به یکدیگر و به ما، یعنی همدلی مشترک است. فقدان حداقل نوعی همدلی و احساس تعلق مشترک، یعنی نبود ما و اضمحلال ما به «من» ها. همانطور که دورکیم (و به تبع او پارسونز و گیدنز) به درستی متذکر می‌شوند که در تحلیل نهایی، پایهٔ هر نظم اجتماعی، عاطفه است. به همین دلیل کاملاً عقلانی آنچنان که وبر فکر می‌کند، قابل تصور نیست.

درصورتی‌که حداقل نوعی همدلی مشترک نباشد، هر سه عنصر شخصیت، تعامل و ما همگی در وجه (I) دچار مشکل می‌شوند. اول اینکه فرد، تعهد و وابستگی عاطفی خود را نسبت به دیگران و به خصوص خانواده از دست می‌دهد. دوم اینکه تعامل اجتماعی[1] معنی و مفهوم خود را از دست می‌دهد و سوم آنکه خانواده با از دست دادن بعد اجتماعی و همزمان هویت خود، در اجرای کارکرد جامعه‌پذیری، دچار اختلال شده و مکانیسم بازتولید ناقص می‌شود (ر.ک. چلبی، ۱۳۸۴).

مراد از همبختی مشترک، نفع و اقبال مشترک است. اساساً نفع مشترک، ریشه در نیازهای عام و مشترک انسانی دارد؛ نیازهایی که تأمین آن‌ها از طریق جمع و با مشارکت دیگران در جمع بیشتر ممکن است. تجلی راه حل جمعی برای رفع بعضی نیازهای مشترک، آن‌گونه که گیدنز اشاره داشت، در وضعیت تعادلی، یعنی تعادل‌های قراردادی و یا میثاق‌ها نهفته است. افراد اغلب از روابط اجتماعی، منافع ویژه‌ای می‌برند، چون معاشرانی

1. Communal interaction

[Downloaded from mail.qjfr.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1391.9.4.5.7]

که این منافع را فراهم می‌کنند، زحماتی را هم متحمل می‌شوند. اگر از روابط، احساس رضایت کنیم، متقابلاً در جستجوی راه‌هایی برای جبران خواهیم بود، این چیزی است که پیوند اجتماعی را تقویت می‌کند (بلاو، ۱۳۸۳: ۱۰۳). به نظر الستر، حتی در بعد ابزاری و عقلی، افراد در وجود نوعی قانون اشتراک نفع دارند (چلبی، ۱۳۸۴: ۲۱). همه هر نوع قانونی را به نبود آن ترجیح می‌دهند. منظور از اقبال مشترک، میزان نیاز متقابل افراد به تشریک مساعی فیزیکی است. درصورتی‌که مسئله همبختی مشترک نظم حل نشده باشد، روابط مبادله‌ای در وهلهٔ اول، دچار نقصان می‌شود و بالأخره خانواده، قدرت انطباقی با محیط بیرونی را از دست می‌دهد و از لحاظ محیط درونی، قدرت نظارتی و تنظیمی خانواده کاهش می‌یابد و در نتیجه قادر به بازتولید مؤثر ارزش‌های دیندارانه نخواهد بود (ر.ک. چلبی، ۱۳۸۴).

همان‌طور که از نتایج یافته‌های این پژوهش برمی‌آید، در خانواده‌های بررسی‌شده، میزان همفکری، نسبتاً بالاست. در این بعد، تنها در مورد تربیت فرزندان همفکری، نسبت به بقیه شاخص‌ها کمتر به نظر می‌رسد؛ همچنین یافته‌های این بررسی نشان می‌دهد که میزان همگامی در خانواده‌های مورد بررسی زیاد است. در این بعد، فراوانی شاخص صرف نظرکردن از خواسته‌ها، بیشتر از سایر شاخص‌ها به نظر می‌رسد. از دیگر یافته‌های تحقیق این بود که میزان همدلی در خانواده‌های مورد نظر نیز زیاد است. در این بعد از نظم خانواده، میزان علاقه فرزند به مادر بیشتر از سایر شاخص‌ها گزارش شده است؛ همچنین یافته‌های این پژوهش، بیانگر آن است که میزان همبختی در خانواده‌های مورد بررسی، نسبتاً زیاد است؛ البته باید توجه داشت که در گزینهٔ متوسط، پدرها بیشتر از مادرها امتیاز کسب کرده‌اند، اما در گزینه‌های موافق و کاملاً موافق میزان همبختی، مادران بیشتر از پدرها امتیاز کسب کرده‌اند.

یکی دیگر از یافته‌های این پژوهش، این است که میزان دینداری هر دو گروه والدین و فرزندان از حد متوسط کمتر است؛ همچنین میزان نظم در خانواده از حد متوسط کمتر می‌باشد، اما تفاوت بین میانگین نظم در خانواده و حد متوسط زیاد نیست؛ نیز، یافته‌های این بررسی نشان می‌دهد که میانگین دینداری والدین از فرزندان بیشتر است. نتایج این پژوهش همچنین نشان می‌دهد که بین متغیرهای همدلی، همفکری، همبختی و نظم

[Downloaded from mail.qjfr.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1391.9.4.5.7]

خانواده و بازتولید دینداری، رابطهٔ معناداری وجود ندارد، بنابراین فرض صفر تأیید و فرض مخالف مبنی بر وجود رابطهٔ مثبت و مستقیم بین بازتولید دینداری و نظم خانواده رد می‌شود. اما همچنین نتایج، بیانگر آن است که بین متغیر همگامی و بازتولید دینداری، رابطهٔ معنادار ولی معکوس وجود دارد؛ نیز نشان می‌دهد از میان چهار بعد نظم در خانواده، تنها بین همگامی و دینداری فرزندان رابطهٔ معناداری وجود دارد و در اینجا فرض مخالف تأیید می‌شود، اما بین سه بعد دیگر نظم (همدلی، همفکری، همبختی) و دینداری فرزندان و والدین و فرزندان، رابطهٔ معناداری وجود ندارد و فرض صفر دربارهٔ رابطهٔ این متغیرها با دینداری فرزندان و والدین تأیید می‌شود؛ همچنین داده‌های پژوهش، بیانگر آن است که بین نظم خانواده و دینداری فرزندان و والدین رابطه معنادار وجود ندارد و فرض صفر در مورد رابطه این متغیر با دینداری فرزندان و والدین پذیرفته می‌شود؛ بنابراین از میان چهار بعد نظم در خانواده، تنها بین همگامی و دینداری فرزندان رابطه معناداری وجود دارد و در اینجا فرض مخالف تأیید می‌شود؛ اما بین سه بعد دیگر نظم (همدلی، همفکری، همبختی) و دینداری فرزندان و والدین و فرزندان رابطه معناداری وجود ندارد و فرض صفر درباره رابطهٔ این متغیرها با دینداری فرزندان و والدین تأیید می‌شود. در بین متغیرهای اصلی و فرعی تحقیق، متغیرهای نظم خانواده، همفکری و همگامی، تأثیر معنی‌داری بر میزان بازتولید دینداری دارند. نظم خانواده با ۳۳/ درصد، بیشترین سهم را در تبیین میزان بازتولید دینداری دارد.

[Downloaded from mail.qjfr.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1391.9.4.5.7]

منابع و مآخذ

۱. اینگلهارت، رونالد (۱۳۸۲)، تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، ترجمه مریم وتر، انتشارات کویر.

۲. روشه، گی(۱۳۷۶)، جامعه‌شناسی تالکوت پارسونز، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، انتشارات تبیان.

۳. بلاو، رابرت (۱۳۸۳)، مبادله پاداش‌های اجتماعی، در: کوزر، لوئیس و روزنبرگ، برنارد(۱۳۸۳)، نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناختی، ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران: نشر نی.

۴. پارسونز، تالکوت و شیلز. ا. (۱۳۸۳)، ساختار بنیادی ارتباط میان کنشی، در:کوزر، لوئیس و روزنبرگ، برنارد (۱۳۸۳)، نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناختی، ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران: نشر نی.

۵. کسل، فیلیپ (۱۳۸۳)، چکیده آثار آنتونی گیدنز، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: انتشارات ققنوس.

۶. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۷)، تجدد و تشخص جامعه و هویت شخصی در عصر جدید، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.

۷. لش، اسکات (۱۳۸۳)، جامعه‌شناسی پست‌مدرنیسم، ترجمه شاپور بهیان، تهران: انتشارات ققنوس.

۸. مرتون، رابرت (۱۳۸۳)، ساختار اجتماعی و بی‌هنجاری، در: کوزر، لوئیس و روزنبرگ، برنارد (۱۳۸۳)، نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناختی، ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران: نشر نی.

۹. میلنر، آندره؛ براویت، جف (۱۳۸۵)، درآمدی بر نظریه فرهنگی معاصر، ترجمه جمال محمدی، تهران: انتشارات ققنوس.

۱۰. آبرکرامبی، نیکلاس و دیگران(۱۳۷۰)، فرهنگ جامعه‌شناسی، ترجمه حسن پویان، تهران: چاپخش.

۱۱. اسکیدمور، ویلیام(۱۳۷۲)، تفکر نظری در جامعه‌شناسی، ترجمه علی محمد حاضری و دیگران، تهران: نشر سفیر.

[Downloaded from mail.qjfr.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1391.9.4.5.7]

۱۲. برگر، پتر. ل توماس لاکمن، توماس (۱۳۷۵)، ساخت اجتماعی واقعیت، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۳. برگر، پیتر و دیگران (۱۳۸۷)، ذهن بی‌خانمان نوسازی و آگاهی، ترجمه محمد ساوجی، نشر نی.
۱۴. تامسون، کنت و دیگران (۱۳۸۷)، دین و ساختار اجتماعی، ترجمه علی بهرامپور و حسن محدثی، انتشارات کویر.
۱۵. توسلی، غلامعباس (۱۳۸۰)، جامعه‌شناسی دینی، تهران: انتشارات سخن.
۱۶. جنکینز، ریچارد (۱۳۸۵)، پی یر بوردیو، ترجمه لیلا جوافشانی و حسن چاوشیان، تهران: نشر نی
۱۷. چلبی، مسعود (۱۳۸۴)، جامعه‌شناسی نظم، تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی، تهران: نشر نی.
۱۸. چلبی، مسعود (۱۳۸۱)، صمد رسول‌زاده اقدم، آثار نظم و تضاد خانواده بر خشونت علیه کودکان، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره چهارم، شمارهٔ ۲، صص ۲۶-۵۴.
۱۹. دهشیری، غلامرضا (۱۳۸۲)، « بررسی رابطه بین دینداری و بحران هویت در دانش‌آموزان دبیرستانی شهرستان یزد»، فصلنامه تعلیم و تربیت.
۲۰. راوندی، مرتضی (۱۳۸۳)، تاریخ اجتماعی ایران، جلد ۹، تهران: انتشارات نگاه.
۲۱. ربانی، رسول؛ صفایی‌نژاد، فتحیان (۱۳۸۴)، فاصله نسلی با تأکید بر دینداری و ارزش‌های اجتماعی مطالعه موردی شهرستان دهدشت در سال۱۳۸۲، مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان(علوم انسانی)، جلد نوزدهم، ش۲ صص،۴۰-۲۱.
۲۲. سراج‌زاده سید حسین(۱۳۸۳)، چالش‌های دین و مدرنیته مباحثی جامعه‌شناختی در دینداری و سکولار شدن، تهران: طرح نو.
۲۳. سراج‌زاده، سید حسین (۱۳۷۷)، نگرش‌ها و رفتارهای دینی نوجوانان تهرانی، نمایه پژوهش، سال دوم، صص۱۲۰-۱۰۵.
۲۴. سراج‌زاده، سید حسین؛ مهناز توکلی (۱۳۸۳)، بررسی تعریف عملیاتی دینداری در پژوهش‌های اجتماعی، نمایه پژوهش، صص ۲۱-۲۰.

[Downloaded from mail.qjfr.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1391.9.4.5.7]

۲۵. شجاعی زند (۱۳۸۴)، مدلی برای سنجش دینداری، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ششم، شمارهٔ۱، ۶۶-۳۴
۲۶. شعبانی، رضا (۱۳۷۸). مبانی تاریخ اجتماعی ایران . تهران: نشر قومس
۲۷. طالبان، محمدرضا (۱۳۷۷)، «سنجش دینداری جوانان»، نمایه پژوهش، سال دوم، صص۱۲۹-۱۲۱.
۲۸. طالبان، محمدرضا (۱۳۷۸)، «خانواده، دانشگاه و جامعه‌پذیری مذهبی»، نامه علوم اجتماعی، شمارهٔ ۱۳، صص ۵۴-۲۷.
۲۹. فوکو، میشل (۱۳۸۳)، ایران روح یک جهان بی‌روح، تهران، نشر نی.
۳۰. کتبی، مرتضی (۱۳۸۲)، «وارثان، دانشجویان و فرهنگ»، نامه انسان‌شناسی، دوره اول، شمارهٔ سوم، ۲۲۲-۲۱۵.
۳۱. کوزر، لیوئیس (۱۳۸۳)، زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، تهران: انتشارات علمی.
۳۲. کیوی، ریمون (۱۳۷۰)؛ لوک وان کامپنهود، روش تحقیق در علوم اجتماعی، فرهنگ معاصر.
۳۳. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۶)، جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، نشر نی.
۳۴. منادی، مرتضی (۱۳۸۲)، «بازتولید، عناصری برای یک نظریه آموزشی»، نامه انسان‌شناسی، دوره اول، شمارهٔ سوم، ۱۹۷ـ۱۹۳.
۳۵. واکووانت، لویک.جی.دی (۱۳۷۹)، پی یر بوردیو، ترجمه مهرداد میردامادی، در راب استونز، متفکران بزرگ جامعه‌شناسی، تهران: نشر مرکز.
۳۶. ویلم، ژان. پل (۱۳۸۶)، جامعه‌شناسی ادیان، ترجمه عبدالرحیم گواهی، نشرعلم.
37. Berger. P, & Luckman. T,(1967), Sociology of Religion and Sociology of Knowledge, In Robertson, R. (1972), Sociology of Religion, Penguin Books Australia Ltd.
38. . The Field of Cultural Production . Polity Press)1993(- Bourdieu Pierre
39. Campbell TL.(2003) The Effectiveness of Family Interventions for Physical Disorders. J Marital Fam Ther.;29(2), 263-81.
40. Giddens,Anthony(1993),Sociology, Polity Press. -

[Downloaded from mail.qjfr.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1391.9.4.5.7]

41. Glock Chares & Rodney,Stark (1965),Religion and Society Tension,Chicago Rand Mcnally& Company.
42. Glock Chares & Rodney,Stark (1968).Dimensions of Religious Commitment.In Sociology of Religion. By: Roland Robertson(1971).Penguin Books.Md USA.
43. Linder Gunnoe,Marjorie&other(1999) Prental Religiosity,Parental Style and Adolescent Social Reponsibility."The Journal of Early Adolescence".19-199
44. Pearce D.William Axin(1998) The Empact of Family Religious Life on The Quality of Mother –Child Relations.American. "sociological review".828-810
45. Worsley. Peter.(1984) The Problem of Order in Introducting Sociology. Sage Publication.

[Downloaded from mail.qjfr.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1391.9.4.5.7]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1391.9.4.5.7]
[Downloaded from mail.qjfr.ir on 2026-09-26]